

## خشونت جوانان، به سمت نهادی شدن و هنجار مندی

بیت المقدس با احضار ۴۵ دانش آموز کلاس ششم و هشتم دو دبیرستان به آنها در مورد عواقب قانونی درگیریهای دسته جمعی شان هشدار داد. طبق گزارش روزنامه‌های اسرائیلی این دانش آموزان با جمع آوری چاقو، پنجه‌بوکس و چماق قرار بوده که به صورت دسته جمعی با یکدیگر بجنگند و کلاس هفتمی‌ها نیز داوری این درگیری را برعهده داشته باشند.<sup>۱</sup>

خبرهای مربوط به خشونت نوجوانان و جوانان و انتشار نتایج تحقیقات انجام شده پیرامون این مسئله و به خصوص قتل همکلاسی‌ها در نهایت خونسردی و بی‌رحمی، به منزله زنگ خطری است که در هفته‌های اخیر توجه عامه مردم اسرائیل را به مسئله خشونت جوانان جلب کرده است.

همزمانی تقریبی اینگونه حوادث با حادثه دبیرستان کلرادو در آمریکا، موجب شده است والدین اسرائیلی به جای آنکه نگران انجام تکالیف و امتحانات درسی فرزندان خود باشند، بیشتر نگران این مسئله باشند که آیا پسر و دختر آنها که به مدرسه رفته است، سالم به خانه بازمی‌گردد؟

یکی از تحقیقاتی که اخیراً توسط «دانشگاه عبری» در این زمینه صورت گرفته نشان می‌دهد

۱- روزنامه انگلیسی زبان جرورالیم پست، مورخ ۱۹۹۹/۶/۱۸

اسرائیل در شش ماه گذشته شاهد یک سلسله حوادث خونبار بود که عاملین و قربانان آنها عموماً جوانان دانش آموز دبیرستانی بوده‌اند. اولین روزهای خرداد ماه ۷۸ در یکی از محلات حومه شهر نازارت ایلیت (ناصره علیا) که به نام محله هاریونا (کوه صلح و دوستی) معروف است، گروهی از جوانان یهودی یکی از همکلاسی‌های خود را محاصره کرده و پس از اهانت به او با چاقو و وسایل دیگر به وی حمله کرده و او را که در حال مرگ بود به حال خود واگذاشته و رفتند و دوست آنها پس از دقایقی مرد.

سه‌شنبه، شب هفتم خرداد، شش نوجوان ۱۲ و ۱۵ ساله از دبیرستان ایگال آلون واقع در همین شهر، با حمله سریع و غافلگیرانه به همکلاسی مهاجر روس خود یوگنی یاکوویچ ۱۵ ساله، ابتدا وی را با پنجه بوکس مضروب ساخته و سپس گلویش را با کارد آشپزخانه بریدند و زمانی که قربانی می‌خواست کشان کشان خود را به جایی رسانده و تقاضای کمک بکند، مهاجمان با یک چوب بیس بال آلومینیومی مجسمه‌اش را خرد کردند.

در همان هفته اول خرداد، ۲ جوان ۱۶ ساله به زور وارد خانه یک زن شده و پس از اذیت و آزار جنسی، اشیاء قیمتی او را به سرقت بردند.

روز دوشنبه ۶ خردادماه ۱۳۷۸ پلیس



آریه دین کوهن نویسنده و مفسر روزنامه جرورزالیسم پست و میخائیل آرنولد یکی از گزارشگران این روزنامه در رابطه با مسئله مورد نظر طی روزهای اخیر با تنی چند از دانش آموزان والدین و کارشناسان به گفتگو نشستند که بخشهایی از نظرات هر کدام ذکر می‌گردد.

## الف - نظرات و احساسات دانش آموزان و جوانان

اریک، ایلانا، حیم و موشه همگی دانش آموزان دبیرستان سایف و سیمون مارکس در بیت المقدس هستند. اریک می‌گوید: «یک مشکل بسیار بزرگ وجود دارد و آن اینکه حمل چاقو، پنجه، بوکس و غیره بسیار زیاد شده و نه تنها افراد شرور بلکه حتی نوجوانان معمولی هم این سلاحهای سرد را با خود حمل می‌کنند. بعضی وقتها رفتن به بعضی محلات شهر مرا به فکر و نگرانی می‌اندازد و برخی از دوستانم در محلات پایین شهر بیت المقدس توسط جوانان چاقوکش تهدید شده‌اند و حتی خودم نیز مورد تهدید قرار گرفته‌ام. من دوستی دارم که چند وقت است با یک چاقو به این طرف و آن طرف می‌رود. همیشه در ابتدا ایکنرها برای خودنمایی است و بعداً به مسئله دفاع از خود تبدیل می‌شود و از این نقطه به بعد است که حوادث تلخ پیش می‌آید و تیزتر اخبار روزنامه‌ها را تشکیل می‌دهد.»<sup>۲</sup>

ایلانا می‌گوید:

«نوجوانها به دنبال دعا و درگیری، این طرف و آن طرف پرسه می‌زنند. آنها صرفاً دنبال کسی

۱۵/۶ درصد از دانش آموزان ابتدایی، ۹/۶ درصد از دانش آموزان دوره راهنمایی و ۵/۳ درصد از دانش آموزان دبیرستانی اسرائیل حداقل یکبار به خاطر ترس از مجروح شدن در مسیر رفت و بازگشت مدرسه، در خانه باقی مانده‌اند. داده‌های همین پژوهش نشان می‌دهد بیش از یک چهارم دانش آموزان اظهار داشته‌اند که در مدرسه احساس امنیت نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

به عقیده برخی همین رفتار خشونت آمیزی که در مدارس وجود دارد، بعد از ظهر در خیابان‌ها تداوم پیدا می‌کند. به گزارش اداره امور نوجوانان و جوانان در پلیس اسرائیل طی سال ۱۹۹۸، تعداد ۲۹۳۰۸ پرونده مربوط به جوانان در آن اداره تشکیل شده بود و بنا به همین گزارش تعداد جرایم خشونت‌بار جوانان از ۴۵۳۳ مورد در سال ۱۹۹۳ به ۱۱۰۶۰ فقره در سال ۱۹۹۸ یعنی بیش از ۲ برابر افزایش داشته است.

کشته شدن نوجوانان و جوانان اسرائیلی به دست همکلاسیهای خود، چنانچه اخیراً شروع شده، ماهیت و سطح خشونت جوانان را در این کشور وارد مرحله جدیدی کرده است، به طوری که این پدیده به صورت یک معضل و مسأله جدی نمایان و حساسیت‌های زیادی را در افکار مختلف برانگیخته است. در این مقاله نظرات ارائه شده توسط مردم به ویژه یهودیان اسرائیلی در ۳ سطح جداگانه مورد اشاره واقع می‌شود که این سطوح عبارتند از:

الف - نظر و احساسات خود دانش آموزان و جوانان.

ب - نظر و احساسات والدین دانش آموزان

ج - برداشتها و تفاسیر کارشناسان و مسئولان

۱- روزنامه جرورزالیسم پست ۱۹ ژوئن ۱۹۹۹

۲- همان

نمی‌توانند آنچه را که اتفاق می‌افتد باور کنند. حیم که از سال قبل پسرش در یک مدرسه شبانه روزی واقع در یکی از شهرهای مرکزی اسرائیل مشغول به تحصیل شده، هنوز هم قادر نیست نوع و میزان خشونت‌ی که فرزندش در هفته‌های اول ورود به مدرسه با آن مواجه شده بود را باور کند.

وی در این رابطه به مفسر روزنامه جروزالیم پست گفته است:

«پسرم در هفته اول ورودش به آن مدرسه، از سوی گروهی از جوانان کلاسه‌های بالاتر مورد حمله قرار گرفته و مضروب شد به طوری که کارش به بیمارستان کشید. کمی بعد از این حادثه از سوی یکی از جوانهای آن مدرسه ۵ بار مورد حمله جنسی واقع شد. در همان هفته‌های اول نیز یک بار با مشت مورد حمله واقع و از پله‌های مدرسه پرت شده بود. گروه دیگری از دانش‌آموزان خلافکار از او خواستند تا پسری را که او را مضروب کرده و عضو گروه‌های رقیب بود نشان داده و معرفی کند. پسرم که از این کار امتناع کرده بود از پشت سر مورد حمله دانش‌آموزی قرار گرفت که تهدید می‌کرد گلولی وی را خواهد برد... وقتی با مددکار اجتماعی مدرسه صحبت کردیم او به ما گفت اگر پسر شما به یکی از باندهای اراذل و اوباش مدرسه نپیوندد از حمایت لازم برخوردار نخواهد شد و غیر از این کاری از دست ما در این زمینه بر نمی‌آید. به همین خاطر من و مادرش او را از آن مدرسه بردیم.»<sup>۳</sup>

راشده مادر چند فرزند است که قتل‌های اخیر او را به شدت به هراس انداخته است. او می‌گوید:

می‌گردند که بتوانند اذیتش کنند، او را بزنند و یا مسخره کنند. من جمعه شب‌ها از این وقایع زیاد دیده‌ام. اگر امروز چند جوان ۱۵ ساله با چاقو در شهر نازارت ایلیت به هم‌کلاسی خود حمله می‌کنند بعید نیست در روزهای آینده شخصی با تفنگ وارد مدرسه شده و هم‌کلاسی خود را به گلوله ببندد. مثل حادثه‌ای که در کلرادوی آمریکا اتفاق افتاد.<sup>۱</sup>

حیم یکی دیگر از دانش‌آموزان معتقد است:

«نوجوانها و جوانها به خاطر دلزدگی و بی‌حوصلگی به خشونت روی می‌آورند. جمعه شب‌ها هیچ جا باز نیست. هیچ کاری برای انجام دادن وجود ندارد. بنابراین آنها به خشونت متوسل می‌شوند تا هیجان بیشتری برای خود ایجاد کرده باشند.»<sup>۲</sup>

موشه هم‌کلاسی دیگر او می‌افزاید:

«قضیه مثل یک شوخی شروع می‌شود ولی به صورت جدی پایان می‌یابد.»

در اینجا ذکر جمله‌ای از «ماری بوناپارت» روان‌کاو معروف فرانسوی بی‌فایده نیست. وی میان نفرت و سرمایه مقایسه‌ای انجام داده و می‌گوید:

«نفرت در قلب آدمیان پول نقدی است که بهر حال باید در گوشه‌ای سرمایه‌گذاری شود.»

طبیعتاً الگوهای چگونگی خرج کردن نفرت و خشونت را جامعه و محیط به فرزندان یاد می‌دهد. نوجوانان و جوانان درسهایی را که در محیط و از بزرگترها آموخته‌اند، تحویل اجتماع می‌دهند.

## ب: نظرات والدین

والدین دانش‌آموزان نیز از حوادث روزافزون و خشونت‌بار در میان فرزندان خود شوکه شده و

- ۱- همان  
۲- همان  
۳- همان



کودکان اسرائیلی در مقایسه با دانش‌آموزان دهها کشور دیگری که مورد بررسی قرار گرفته بودند، بیش از همه نسبت به مدرسه تفر دارند... امروزه کاملاً روشن است که مدیران و معلمان در برخورد با مسئله خشونت دانش‌آموزان، در خودشان احساس عدم توان و کارایی می‌کنند چرا که همگی آنها نوشته‌ها و فحش‌هایی روی دیوار مدرسه را می‌بینند اما کاری از دستشان بر نمی‌آید.<sup>۲</sup>

وی در بخش دیگری از سخنانش می‌گوید:  
 «خشونت ممکن است به صورت یک عادت درآمده باشد. مثلاً دانش‌آموزانی که همه روزه صحنه‌های متنوعی از خشونت را در اخبار و فیلمهای تلویزیون دیده‌اند، دیگر با دیدن صحنه‌های واقعی خشونت چندان دچار شوک و تعجب نمی‌شوند. نکته دیگر مربوط به نقش گروههای شرور و ارادل و اوپاش در مدارس است که نباید آن را نادیده گرفت. ممکن است تمامی این گروههای خلافکار، به اندازه گروه کریپس یا گروه Bloods (خون) که در لس‌آنجلس فعال هستند، دارای سازماندهی و سلسله مراتب منسجمی نباشند، اما به‌رحال تمامی این گروههای تبهکارانه، برای مهاجران، رانده شدگان و بی‌خانمانان نوعی پناهگاه اجتماعی محسوب شده و احساس حمایت و تعلق به گروه را در آنان برمی‌انگیزد. در این حالت، فرد هویت شخصی خود را از دست داده و یک شخصیت و هویت جمعی و گروهی جای آن را می‌گیرد. گروههای تبهکاری جوانان امروز در جامعه ما یک مفهوم زنده است و در اطراف ما نفس می‌کشد. بنابراین

«هیچ عبارتی نمی‌تواند بیانگر احساس وحشتی باشد که صبح‌ها هنگام فرستادن فرزند خود به مدرسه احساس می‌کنید و نمی‌دانید آیا به خانه برمی‌گردد یا نه... این همان نگرانی است که فکر نمی‌کنم والدین من اساساً در زمانی که من به مدرسه می‌رفتم، هرگز با آن مواجه بوده‌اند. بچه‌های من گله دارند که سایر دانش‌آموزان مؤدب نبوده و آن طور که باید رفتار نمی‌کنند. آنها بارها از سوی نوجوانهای بزرگتر هدف زورگویی و باجگیری و اخاذی قرار گرفته‌اند به طوری که تنها با کمک گرفتن از افراد بزرگتر از خودشان، این قبیل رفتارهای ناشایست متوقف شده است.»<sup>۱</sup>

## ج- دیدگاههای کارشناسان و مسئولین

کارشناسان علوم تربیتی و مسئولان رسمی اسرائیلی که به نوعی با موضوع مورد بحث مرتبطند نیز از روند رو به رشد و ماهیت جدیدی که در نوع و شدت خشونت جوانان اسرائیلی طی سالهای اخیر به وجود آمده اظهار حیرت و شگفتی نموده و سعی کرده‌اند به علل و زمینه‌های اجتماعی این پدیده اشاره کنند. یکی از کارشناسانی که در این رابطه با میخاییل اس. آرنولد گزارشگر روزنامه جرورالیم پست صحبت کرده، تام گامپل استاد دانشگاه عبری است. وی در این زمینه اظهار داشته است:  
 «تعجب و شگفتی در این است که چرا چنین جنایاتی قبلاً اتفاق نمی‌افتاد. به نظر من مدارس اسرائیل در آستانه یک وضعیت اسفبار قرار گرفته‌اند. طرح مطالعاتی که چهار سال قبل (۱۹۹۵) در این رابطه انجام شد، نشان داد که



توسط کمیته ویژه‌ای به ریاست بنی تمکین مورد بررسی قرار گرفت، اما سرانجام هیچ اقدامی صورت نپذیرفت... تنها تحول عمده‌ای که از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ در رابطه با خشونت جوانان ایجاد شده، بالا رفتن سطح آگاهیها و حساسیت مردم نسبت به این موضوع است. نتایج تحقیقات دانشگاهی در این رابطه مدتها از سوی مردم و مسئولان مورد بی‌توجهی قرار داشت و نمی‌توانستند آن را باور و هضم کنند. زمان بسیاری سپری شد تا جامعه توانست تدریجاً آگاهی و حساسیت لازم نسبت به مسئله را پیدا کند. در واقع این خشونت بیش از حد جوانان بود که سطح آگاهی مردم را نسبت به این مسئله افزایش داد و نهایتاً آگاهی و فشار مردم جهت مبارزه با این پدیده منجر به تأسیس کمیته جدیدی به ریاست ژنرال متان ویلنایی شده که من هم در آن همکاری دارم.<sup>۳</sup>

دکتر اسحاق کادمن مدیر اجرایی شورای ملی حمایت از کودکان در اسرائیل تأیید می‌کند که تاکنون زمان زیادی از دست رفته و هرچه سریعتر باید یک راه حل جامع و کاربردی به منظور کاهش روند خشونت جوانان تدوین و اجرا گردد. البته در عین حال او اعتقاد دارد که راه‌های فوری، جادویی و یک شبه برای حل این معضل نداشته و در این رابطه معتقد است:

«هرکس که پدیده خشونت جوانان را پدیده‌ای منحصر به سالهای اخیر می‌داند، در خواب و غفلت قرار دارد، زیرا این پدیده چیزی نیست که در هفته قبل یا ماه گذشته به وجود آمده

اگر کسی عضو یک گروه را مورد حمله قرار دهد مثل این است که تمام آن گروه را مورد حمله قرار داده و لذا از جانب تمام آن گروه مجازات می‌شود... به عقیده من پیوند خاصی میان گروههای بزهکار با جایگاه اقتصادی اجتماعی، اوضاع نابسامان شغلی، بیکاری و احساس ناکامی و محرومیت از حقوق وجود دارد.<sup>۱</sup>

اگر قرار بود من پیش‌بینی کنم چه کسانی و از چه خاستگاهی به جمع گروههای بزهکار خواهند پیوست، جوانان مهاجر تازه واردی را می‌گفتم که در شهرهای محروم اسرائیل، زیر خطر فقر زندگی می‌کنند و یکی از اولین جاهایی که در این رابطه ممکن است شما به فکرش بیفتید شهر نازارت ایلیت است که با وضعیتی که در بالا تشریح شد انطباق کامل دارد.<sup>۲</sup>

یوسی هارئل استاد دانشگاه و رییس بخش مددکاری اجتماعی دانشگاه بارایلان در این زمینه به آریه دین کوهن مفسر و نویسنده روزنامه جروزالیم پست گفته است:

«به شکل روزمره در آمدن خشونت در بین جوانان مرا بیش از موارد جنایاتی که اتفاق افتاده نگران می‌کند. جوانها که صبح از خواب برمی‌خیزند و به مدرسه می‌روند، این کار را با یک احساس نگرانی عمیق انجام می‌دهند. این حالت اضطراب و پریشانی، در طول زمان، آسیبهای جدی و بیشمار به سلامتی و بهداشت روانی آنان وارد می‌کند... ماجرای غم‌انگیز آن است که دقیقاً همان وضعیت وخیم و دشواری که ۴ سال قبل شاهد بودیم و گزارش آن را در سال ۱۹۹۵ روی میز وزیر آموزش و پرورش قرار دادیم، هنوز هم وجود دارد. وضعیت دشوار یاد شده در کنیست

- ۱- همان  
۲- همان  
۳- همان



باشد. قتل و خونریزی امروز، بهایی است که ما باید به خاطر ندیده گرفتن مسئله خشونت در گذشته بپردازیم.»<sup>۱</sup>

کادمن سپس برخی بازیهای کامپیوتری رایج در بین جوانان اسرائیلی مثل بازی کارماگدون (Carmaggedon) را یکی از عوامل اصلی افزایش رفتارهای خشن جوانان برمی شمرد. لازم به ذکر است در این بازی اگر شخص بازیگر بتواند یک پیرمرد و یا یک زن را مورد هدف قرار دهد امتیاز بیشتری به دست می آورد.

بازیهایی از این قبیل که سرگرمی عمده بسیاری از جوانان را تشکیل می دهد به طور غیرمستقیم این نکته را به بازیگر القا می کند که فقط غلبه بر حریف مهم است و در زمینه رسیدن به هدف شخصی، اعمال خشونت نیز کار درستی به نظر می رسد.

یکی دیگر از علل و زمینه هایی که به نظر کادمن موجب رشد این پدیده در جامعه شده است غفلت و سهل انگاری دولت و مسئولان کشور می باشد. وی در این زمینه به آریه دین کوهن منسجر جروزالیم پست می گوید:

«در سالهای اخیر دولت به طور کلی مسئله رفتار و سلوک کودکان، نوجوانان و جوانان را مورد غفلت قرار داده است. پلیس های معدودی هستند که در مورد جوانان فعالیت می کنند. مددکاران اجتماعی در مدارس به طور کلی کنار گذاشته شده اند و تعداد مشاورین تربیتی نیز محدود است. این نکته قانع کننده ای نیست که شما در رابطه با فرزندان شما سرمایه گذاری نکنید و به این خیال باشید که هیچ اتفاقی نخواهد افتاد. آشی که امروز می خوریم، چیزی است که طی

سالهای گذشته، پخته شده است...»<sup>۲</sup>

البته به نظر نمی رسد که در اینجا منظور کادمن، نارسایی در سرمایه گذاریهای آموزشی و امکانات و تجهیزات به ویژه برای دانش آموزان یهودی در جامعه اسرائیل باشد. بلکه نارسایی می باید در رابطه با سرمایه گذاریهای فرهنگی و تربیتی و اخلاقی مدنظر قرار گیرد.

«سوزی بن باروخ» یکی از فرماندهان ارشد پلیس اسرائیل و سرپرست دایره مربوط به امور نوجوانان در این نهاد می باشد. وی معتقد است که نه تنها تعداد بلکه ماهیت خشونت جوانان و نوجوانان اسرائیلی نیز دچار دگرگونی شده است. وی به آریه دین کوهن در این رابطه گفته است:

«تعداد موارد جویم و خشونت مرا به اندازه تغییر و تحولی که در نوع و سطح خشونت به وجود آمده نگران نمی کند. خشونتها جدی تر و بالترنج آسیبهای وارده نیز جدی تر شده اند. از آن مهمتر هنجاری است که پدیدار شده و چنین خشونت را می پذیرد و این حالت در گذشته هرگز وجود نداشته است. نوجوانان بر این باورند که اگر در مدرسه شمرات بکنند، اوضاع بر وفق مراد خواهد شد. این مسئله در حال حاضر بخشی از زندگی آنها شده است ولی نظیر آن هرگز در گذشته ها وجود نداشت. بچه ها نباید چنین وضعی را بپذیرند و لازم است بلافاصله مشکلات خود را با والدین یا مسئولان مدرسه در میان بگذارند... نکته دیگر این است که نهادهای مربوطه خود را از این مسئولیت کنار کشیده اند. مثلاً وزارت کار و امور اجتماعی چون نیروی انسانی برای تأمین مددکاران جهت کمک به حل

مدارس و پذیرش این واقعیت توسط دانش‌آموزان جوان و نوجوان.

۲- پیوستن اختیاری جوانان به گروه‌های بزهدکار جهت دستیابی به امنیت و حمایت، با در نظر گرفتن نقشی که این گروه‌ها در افزایش جرم و خشونت دارند.

۳- بازیهای کامپیوتری که خشونت را مشروعیت می‌دهند (بازیهای کامپیوتری یکی از مهمترین سرگرمیهای اوقات فراغت نوجوانان و جوانان اسرائیلی است).

۴- تأثیرات ۲۴ ساعته فیلمهای خشونت‌بار آمریکایی و...

۵- غفلت و سهل‌انگاری مسئولان نسبت به این پدیده و عدم تأمین مددکاران اجتماعی برای حل مشکلات جوانان و نوجوانان.

در مجموع و با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد در سال ۱۹۹۹ میلادی پدیده‌ای تحت عنوان «خشونت جوانان و نوجوانان» به لحاظ جامعه‌شناختی بر فهرست مسایل اجتماعی جامعه اسرائیل افزوده شده، زیرا هم آگاهی عمومی نسبت بدان ایجاد شده و هم حساسیت همگانی را برانگیخته است. این دو ویژگی قبلاً وجود نداشت و هر معضل اجتماعی تا این دو ویژگی را به همراه نداشته باشد به عنوان مسئله اجتماعی تلقی نخواهد شد. حال اگر چنین روندی بیش از این افزایش یابد و در مورد آن بی‌توجهی و غفلت صورت پذیرد، این مسئله اجتماعی می‌تواند به سطحی از شدت و فراگیری برسد که از کنترل یک یا دو نهاد خارج شده و به صورت یک بحران اجتماعی ظهور کند.

مشکلات دانش‌آموزان ندارد خود را از این مسئله کنار کشیده است. ما هم به عنوان پلیس می‌توانیم هرکس را بخواهیم دستگیر کنیم، اما اگر نیروی انسانی متخصص جهت درمان و بازپروری روحی آنان در اختیار نداشته باشیم، آنها به مهاجمین سابقه‌دار تبدیل شده و در آن صورت تمام تلاشهای ما به هدر رفته است.<sup>۱</sup>

آخرین فردی که در این نوشتار به خلاصه‌ای از نقطه نظرات وی اشاره می‌شود، ژنرال «متان ویلناتی» نماینده کنست و رییس کمیته ویژه وزارت آموزش و پرورش است که در مورد خشونت جوانان اسرائیلی به بررسی و تحقیق مشغول است. وی در جملاتی کوتاه و تلفنی به آریه دین کوهن می‌گوید:

«مسئله خشونت، مشکلی عمیق و ریشه‌دار و انواع آن از خشونت‌های مبتذل و پیش‌پا افتاده گرفته تا خشونت‌های جدی‌تر و مخرب‌تر در جامعه اسرائیل رواج پیدا کرده است. مثل فریادهایی که در تلویزیون بر سر یکدیگر می‌کشیم یا بچه‌هایی که در مدارس ما همدیگر را می‌زنند و غیره و غیره. حل این معضل، مستلزم فعالیتهای آموزشی - فرهنگی گسترده و فراگیر می‌باشد.»<sup>۲</sup>

البته در این مورد خصائص یعنی خشونت جوانان اسرائیلی، نظرات با اهمیت دیگری نیز وجود دارد که قابلیت طرح دارند ولی ظرفیت مقاله اجازه نمی‌دهد. اگر قرار باشد به موارد عمده‌ای که کارشناسان و مسئولان اسرائیلی به عنوان علل و زمینه‌های رشد خشونت جوانان در این کشور برشمرده‌اند اشاره شود، می‌توان این علل را چنین ذکر کرد:

۱- همگانی شدن خشونت بخصوص در